

فرا نظریه اسلامی

روابط بین الملل

تألیف:
سید جلال دهقانی فیروز آبادی

www.ketab.ir



WWW.ketab.ir

- سرشناسه: دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، ۱۳۴۴-
عنوان و نام پدیدآور: فرانظریه اسلامی روابط بین الملل / سیدجلال دهقانی فیروزآبادی.
مشخصات نشر: تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری: ۴۸۰ص.
فروست: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی: ۳۱۵.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۱۷-۲۱۹-۳
وضعیت فهرست نویسی: فیا.
عنوان به انگلیسی: Islamic metatheory of international relations
یادداشت:
موضوع: روابط بین المللی — فلسفه
موضوع: اسلام و روابط بین المللی
موضوع: اسلام و سیاست
شناسه افزوده: دانشگاه علامه طباطبائی
شناسه افزوده: Allame Tabatabaee University
رده بندی کنگره: JZ۱۳۴۲/د۹ف۴ ۱۳۹۳
رده بندی دیویی: ۱۰۱/۳۳۷
شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۶۲۱۷۹

فرانظریه اسلامی روابط بین الملل

تألیف:
سید جلال دهقانی فیروزآبادی

این کتاب در چار چوب برنامه های قطب علمی دولت و روابط بین الملل اسلامی چاپ و نشر شده است

شابک: ۳-۱۲۹-۲۱۷-۹۶۴-۹۷۸

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی

چاپ اول شمارگان: ۱۰۰۰ ناظر فنی: رضا دنیوی

سازمان مرکزی: تهران، دهکده المپیک، تقاطع شهید همت، جنب پارک فرهنگ

صندوق پستی: ۱۵۸۱۵/۳۴۸۷ ۱۳۹۳ قیمت: ۱۷۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
فصل اول.....	۱۳
فرانظریه و فرانظریه پردازی در روابط بین الملل.....	۱۳
۱- معنا و مفهوم فرانظریه.....	۱۴
۲- فرانظریه پردازی.....	۱۹
۳- نسبت سنجی مفهومی فرانظریه.....	۲۳
۳-۱- نظریه.....	۲۳
۲- ۳. پارادایم.....	۲۸
۴- مفاد و ابعاد فرانظریه.....	۳۰
۴-۱- هستی شناسی.....	۳۱
۴-۲- معرفت شناسی.....	۳۳
۴-۳- روش شناسی.....	۳۶
۵- ضرورت، اهمیت و کارکرد فرانظریه.....	۳۷
۶- جایگاه فرانظریه.....	۴۳
فرجام.....	۴۸
فصل دوم.....	۵۱
فرانظریه های مختلف روابط بین الملل.....	۵۱
۱. اثبات گرایی.....	۵۲
۱-۱- گونه های اثبات گرایی.....	۵۲
۱-۲- اصول اثبات گرایی.....	۵۶

۳-۱	اثبات گرای / ابطال گرای	۶۵
۴-۱	نقد و ارزیابی	۶۷
۲	عقل گرای	۷۲
۳	عمل گرای	۷۷
۴	تفسیر گرای	۸۱
۴-۱	هستی شناسی	۸۱
۴-۲	معرفت شناسی	۸۴
۴-۳	گونه های تفسیر گرای	۸۶
۴-۴	روش شناسی	۹۰
۴-۵	اصول معرفت شناسی و روش شناسی	۹۲
۴-۶	نقد و ارزیابی	۹۳
۵	فرانطریه انتقادی	۹۵
۵-۱	انواع علم	۹۵
۵-۲	مختصات علم انتقادی	۱۰۱
۵-۲-۲	معرفت شناسی	۱۰۳
۵-۲-۳	روش شناسی	۱۰۸
۵-۳	نقد و ارزیابی	۱۰۹
۶	واقع گرای علمی - انتقادی	۱۱۰
۶-۱	اصول و ارکان	۱۱۲
۶-۲	روش شناسی	۱۲۹
۶-۳	نقد و ارزیابی	۱۳۲
۷	تکثر گرای تعاملی	۱۳۴
۷-۱	هستی شناسی	۱۳۵
۷-۲	معرفت شناسی	۱۳۷
۷-۳	روش شناسی	۱۴۱
	فرجام	۱۴۵
	فصل سوم	۱۴۹

۱۴۹	رهیافت‌های مختلف اسلام‌شناسی
۱۵۰	۱- رهیافت‌ها
۱۵۰	۱-۱- رویکرد محدودنگر
۱۵۰	۱-۱-۱- اسلام اخروی و فردی
۱۵۹	۱-۲- رویکرد جامع‌نگر
۱۷۲	۲- نسبت علم و اسلام
۱۷۳	۲-۱- تعارض و تنازع
۱۸۵	۲-۲- تمایز و توازی
۱۹۰	۲-۳- تداخل و تضامن
۱۹۵	۲-۴- تعامل و تعاضد
۲۰۲	فرجام
۲۰۷	فصل چهارم
۲۰۷	هستی‌شناسی اسلامی روابط بین‌الملل
۲۰۹	۱. معنا و مفاد هستی‌شناسی
۲۱۴	۲. اصول هستی‌شناسی اسلامی
۲۱۴	۱- ۲- واقع‌گرایی
۲۲۶	۲- ۲- جوهر‌گرایی
۲۲۷	۲- ۳- اصل علیت
۲۳۱	۲- ۴- اصل نظم، عدل و غایت‌مندی هستی
۲۳۸	۲- ۵- اصل توحید
۲۴۰	۳. مدل کنشگر: انسان‌شناسی
۲۴۱	۱- ۳. سرشت انسان
۲۴۷	۳- ۳. انسان مختار
۲۴۹	۳- ۴. انسان عاقل
۲۵۷	۴. تعامل ساختار و کارگزار
۲۶۴	۵. اصول و مفروضه‌های هستی‌شناختی نظریه اسلامی روابط بین‌الملل
۲۶۴	۱- ۵- واقع‌گرایی کنش‌گرا

۲۶۶	۲- ۵- جوهرگرایی حداقلی.....
۲۶۷	۳- ۵- تکثرگرایی علی.....
۲۶۹	۴- ۵- اراده گرایی: عاملیت و کارگزاری کنشگران بین المللی.....
۲۷۰	۵- ۵- تعامل گرایی: قوام بخشی متقابل ساختار و کارگزار.....
۲۷۱	۶- ۵- عقل گرایی: عقلانیت دوگانه کنشگران بین المللی.....
۲۷۵	۹- ۵- قاعده مندی پدیده های بین المللی.....
۲۷۹	فرجام.....
۲۸۳	فصل پنجم.....
۲۸۳	معرفت شناسی اسلامی روابط بین الملل.....
۲۸۴	۱. مفهوم شناسی.....
۲۸۴	۱- ۱. تعریف معرفت شناسی.....
۲۸۶	۲- ۱. موضوع و مفاد معرفت شناسی.....
۲۸۸	۳- ۱. چیستی معرفت.....
۲۸۹	۴- ۱. امکان معرفت.....
۲۹۴	۵- ۱. صدق و اعتبار معرفت و علم.....
۲۹۸	۶- ۱. متعلق شناخت.....
۲۹۹	۲. نظام معرفت شناسی (فلسفه) اسلامی.....
۲۹۹	۱- ۲. چیستی معرفت و علم.....
۳۰۲	۲- ۲. امکان شناخت: واقع گرایی معرفت شناختی.....
۳۱۰	۳- ۲. متعلق شناخت.....
۳۱۶	۴- ۲. انواع، مراتب و منابع معرفت.....
۳۲۷	۵- ۲. صدق و اعتبار شناخت: مبنای گرایی.....
۳۳۲	۶- ۲. ارزش باری علم.....
۳۳۸	۳. اصول و مفروضه های معرفت شناختی نظریه اسلامی روابط بین الملل.....
۳۳۸	۱- ۳. واقع گرایی معرفت شناختی.....
۳۴۰	۲- ۳. تکثرگرایی معرفت شناختی.....
۳۴۸	۳- ۳. مبنای گرایی معرفت شناختی.....

۳-۴	 تعامل‌گرایی ارزشی: تعامل دانش و ارزش	۳۴۹
۵ - ۳	 تنوع و تکامل‌گرایی	۳۵۲
۶ - ۳	 عام‌گرایی و کلان‌نگری	۳۵۶
۷ - ۳	 کل‌نگری و نظام محوری	۳۵۷
.....	فرجام	۳۵۸
.....	فصل ششم	۳۶۳
.....	روش‌شناسی اسلامی روابط بین‌الملل	۳۶۳
.....	۱. مفهوم شناسی	۳۶۵
.....	۲. رهیافت‌های روش‌شناختی اسلامی	۳۶۷
.....	۲-۱- وحدت‌گرایی علمی	۳۶۸
.....	۲-۲- رهیافت استخراجی	۳۷۰
.....	۲-۳- رهیافت استنباطی	۳۷۳
.....	۲-۴- رهیافت تنقیحی	۳۷۶
.....	۲-۵- وحدت‌گرایی تأسیسی	۳۷۸
.....	۲-۶- تکثرگرایی تأسیسی	۳۸۰
.....	۳. کثرت‌گرایی روشی	۳۹۱
.....	۳-۱- روش تجربی - حسی	۳۹۴
.....	۳-۲- روش عقلی - فلسفی	۳۹۸
.....	۳-۳- روش نقلی - تاریخی	۴۰۰
.....	۳-۴- روش فلسفی - کلامی	۴۰۳
.....	۳-۵- روش شهودی - عرفانی	۴۰۴
.....	۳-۶- روش‌های تفسیری - تأویلی	۴۰۵
.....	۴- تلفیق‌گرایی	۴۰۶
.....	فرجام	۴۰۹
.....	نتایج و استنتاج‌ها	۴۱۳
.....	گزاره‌های علم شناختی	۴۱۵
.....	گزاره‌های اسلام شناختی	۴۱۸

۴۲۲.....	گزاره‌های هستی‌شناختی
۴۲۵.....	گزاره‌های معرفت‌شناختی
۴۲۸.....	گزاره‌های روش‌شناختی
۴۳۰.....	گزاره‌های فرانظریه‌شناختی
۴۳۵.....	کتاب‌نامه
۴۳۵.....	الف) فارسی و عربی
۴۵۳.....	ب) انگلیسی

www.ketab.ir

مقدمه

دانش و نظریه روابط بین‌الملل، در آمریکا تکوین و تکامل یافته است؛ به‌گونه‌ای که حتی نقش محافل آکادمیک اروپایی نیز در فرآیند تأسیس و توسعه آن محدود بوده است. از این رو، مراکز علمی و دانشگاهی جهان غیرغربی نقش مکون و مشارکت مولد بایسته و شایسته‌ای در قوام و دوام دیسیپلین روابط بین‌الملل نداشته‌اند؛ اما در آغازین سال‌های هزاره سوم، بر اثر پدیداری تحولات عملی و نظری در سیاست جهان، تقاضا و تمنا برای مساهمت بیشتر این محافل از راه تدوین و پردازش نظریه‌های غیرغربی روابط بین‌الملل افزایش یافته است. به‌طوری‌که امروزه ادبیات نظری غیرغربی نسبتاً قابل توجهی تولید شده است؛ سرآمد آن‌ها نیز کتاب «نظریه‌های غیرغربی روابط بین‌الملل» ویراسته آمیتاو آکاریا و بری بوزان است.

بر این اساس، در جهان اسلام نیز تکاپو برای پردازش نظریه اسلامی روابط بین‌الملل آغاز گشته است. این تلاش به‌ویژه در چهارچوب طرح کلی اسلامی سازی دانش تعریف و تعقیب می‌شود. این جنبش علمی و موج نظری به ایران نیز رسیده است. به‌گونه‌ای که در سال‌های اخیر تلاش‌های فردی و جمعی درخوری در قالب برگزاری همایش‌ها، میزگردها، کرسی‌های نظریه‌پردازی و انتشار برخی مقاله‌ها با هدف تولید علم و نظریه روابط بین‌الملل ایرانی - اسلامی انجام شده است؛ تلاشی که تا امروز به نتیجه مطلوب منجر نگشته است.

تمنا و تقاضا برای تولید علم و نظریه بومی بنا بر علایق شخصی و اقتضائات اسلامی، انقلابی و ایرانی به‌تنهایی کفایت نمی‌کند؛ زیرا لازمه پردازش یک نظریه

ایرانی یا اسلامی روابط بین‌الملل، در کنار سایر مقدمات و تمهیدات علمی و فکری، تأسیس و تدوین مبانی و بنیادهای فلسفی آن است. ساختن و پرداختن نظریه بومی روابط بین‌الملل مستلزم درانداختن یک فلسفه مضاف روابط بین‌الملل است که این مبانی و مبادی را تمهید کند؛ چراکه هیچ نظریه‌ای بدون مبانی فلسفی و فرانظری ساخته و پرداخته نمی‌شود. این امر به معنای ضرورت و اولویت پردازش فرانظریه بر پرداختن خود نظریه است. ازاین‌رو، ارائه یک نظریه اسلامی روابط بین‌الملل مستلزم پردازش فرانظریه اسلامی روابط بین‌الملل است.

بر این اساس، هدف این کتاب تمهید و تدوین فرانظریه اسلامی روابط بین‌الملل است؛ به گونه‌ای که چگونگی و الزامات نظریه‌پردازی اسلامی و عوامل تأثیرگذار بر این فرآیند و مبانی فلسفی این نوع نظریه استخراج و تبیین شود؛ مبانی، مفروضه‌ها و پیش‌فرض‌های فلسفی‌ای ارائه می‌شود که قواعد و منطق لازم برای پردازش نظریه اسلامی روابط بین‌الملل را فراهم می‌سازد. به بیان دیگر، مبانی فلسفی به معنای هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی نظریه اسلامی روابط بین‌الملل تدوین و تبیین می‌شود.

مبانی فلسفی و فرانظری بر چگونگی و نوع تلقی از روابط بین‌الملل و نظام بین‌الملل تأثیر مستقیم دارد. ازاین‌رو، طرح، تدوین و پاسخ‌گویی به پرسش‌های فرانظری یا نوع دوم در مورد روابط بین‌الملل از منظر اسلامی ارزش و اهمیت نظری و عملی بسزایی دارد. سؤال‌هایی از این قبیل که: هستی و واقعیت چیست؟ واقعیت اجتماعی و جهان اجتماعی، ازجمله جهان روابط بین‌الملل، چیست و چه ماهیتی دارد؟ آیا آنچه وجود دارد قابل شناخت نیز هست؟ این شناخت چه اندازه قابل اعتماد و معتبر است؟ آیا روابط بین‌الملل یک علم است یا یک فن و هنر؟ الزامات مطالعه علمی روابط بین‌الملل چیست؟ چه روش‌هایی برای شناخت معتبر واقعیت‌ها و پدیده‌های بین‌المللی مناسب و مطلوب است؟ کدام روش‌شناسی و روش به شناخت معتبر آن می‌انجامد؟ کدام یک از ساختار یا کارگزار در روابط بین‌الملل اصالت دارد؟ آیا یکی از این دو بر دیگری تقدم

هستی شناختی یا روش شناختی دارد؟

بنابراین، پردازش یک نظریه اسلامی محتوایی و جوهری روابط بین الملل از نوع اول مورد ادعا و انتظار نیست؛ بلکه تلاش می شود تا با پاسخ گویی به پرسش های درجه دوم، نظریه ای از نوع دوم بر مبنای مبانی و آموزه های اسلامی ارائه شود؛ لذا، مسائل و موضوعات تجربی و انضمامی جزئی در زمینه روابط بین الملل بحث و بررسی نمی شود و از سوی دیگر، مباحث به درجه نسبتاً بالایی انتزاعی است و ماهیتی فلسفی و تجریدی دارد. با این حال، این فرانظریه اگرچه مستقیماً به پرسش ها و موضوعات درجه اول و انضمامی در مورد جزئیات و واقعیت های روابط بین الملل و نظام بین الملل نمی پردازد، اما به طور غیرمستقیم با آن ها ارتباط داشته و بر آن ها تأثیر می گذارد.

بی گمان پاسخ گویی به پرسش های نوع اول با انجام پژوهش های عملی و نظری در مورد روابط بین الملل اهمیت و ضرورت دارد، اما تدوین و تبیین رهیافت فلسفی اسلام به هستی، انسان، ماهیت جامعه انسانی و جهانی و نسبت آن با جهان بینی های دیگر به فهم و درک بهتر و بیشتر روابط بین الملل و زندگی بین المللی می انجامد. بررسی و توضیح این که این تلقی و تعریف از انسان و جهان چه تأثیر و نقشی در نظریه پردازی و نظریه های روابط بین الملل دارد نیز از ارزش و اهمیت نظری و عملی برخوردار است.

تدوین و ارائه فرانظریه اسلامی روابط بین الملل نیازمند تبیین هستی شناسی، معرفت شناسی و روش شناسی اسلامی به طور عام و روابط بین الملل به طور خاص است؛ از این رو، از یک سو، استفاده از منابع و معارف اسلامی و دانش تولید شده در سایر حوزه های معارف اسلامی مانند تفسیر، فقه، فلسفه، منطق، کلام و اصول فقه ضرورت می یابد و از سوی دیگر، بهره مندی از دانش، مفاهیم و مقولات و روش های رایج در علوم اجتماعی و رشته روابط بین الملل نیز ضروری است. تأمین این هدف به معنای تحمیل مفاهیم و مقولات رایج در دیسیپلین و علم متعارف روابط بین الملل بر منابع و معارف اسلامی نیست؛ بلکه، تلاش برای

استخراج، استنباط و تأسیس مفاهیم و مبانی اسلامی در حوزه دانش روابط بین الملل است. به گونه‌ای که رهیافت و موضع هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی اسلام در حوزه روابط بین الملل درک و توضیح داده شود.

این امر بدان معنا نیست که فرانظریه اسلامی روابط بین الملل و مفاد آن هیچ نسبتی با دانش متعارف و سایر فرانظریه‌های روابط بین الملل برقرار نمی‌کند؛ بلکه حتی ممکن است فرانظریه اسلامی روابط بین الملل در بعضی از عناصر، ابعاد، مفاهیم و مقولات قربت و شباهت به فرانظریه‌های دیگر روابط بین الملل نیز داشته باشد؛ بنابراین، برای تدوین فرانظریه اسلامی روابط بین الملل باید بین معارف اسلامی و دانش روابط بین الملل ارتباط منطقی و مفهومی برقرار کرد، نه آنکه معارف اسلامی را در ذیل علم متعارف روابط بین الملل قرار داد. همان‌گونه که قرار دادن علم متعارف روابط بین الملل در چهارچوب اسلام و معارف اسلامی و تلاش برای توجیه آن نیز وجهت و وثاقت ندارد.

برای تأمین این اهداف، کتاب در شش فصل تدوین و تنظیم شده است؛ فصل نخست به تبیین ماهیت و جایگاه فرانظریه و فرانظریه پردازی در روابط بین الملل می‌پردازد؛ به گونه‌ای که پس از مفهوم‌شناسی فرانظریه، مفاد، ضرورت، اهمیت و جایگاه آن در روابط بین الملل واکاوی می‌شود. در فصل دوم، فرانظریه‌های مختلف روابط بین الملل به اجمال مرور می‌شود؛ این توضیح مختصر تمهیدات علم‌شناسی لازم و زمینه نسبت‌سنجی فرانظریه اسلامی روابط بین الملل با فرانظریه‌های رایج در رشته روابط بین الملل را فراهم می‌سازد. سومین فصل به نسبت‌سنجی علم و اسلام در چهارچوب کلی‌تر رابطه علم و دین اختصاص دارد. به طوری که مبانی دین‌شناختی لازم برای فرانظریه پردازی اسلامی روابط بین الملل مهیا شود. ادعا آن است که با توجه به ماهیت تأسیسی نظریه اسلامی روابط بین الملل و گزیده‌گویی علمی اسلام پردازش این نظریه بر مبنای حداقلی‌ترین برداشت از اسلام نیز ناممکن نیست.

هستی‌شناسی اسلامی روابط بین الملل در فصل چهارم تدوین می‌شود. واقعیت

و ماهیت پدیده‌های اجتماعی بین‌المللی، کنشگران بین‌المللی، علیت و مسئله ساختار و کارگزار از منظر اسلامی توضیح داده می‌شود؛ سپس اصول و مفروضه‌های هستی‌شناختی نظریه اسلامی روابط بین‌الملل در قالب واقع‌گرایی تکثرگرا، جوهرگرایی، تکثرگرایی علی، عقل‌گرایی، امت محوری، همگرایی انسانی، قاعده‌مندی پدیده‌های بین‌المللی و تحول‌پذیری استنتاج و تبیین می‌شود.

موضوع فصل پنجم تنظیم و تبیین معرفت‌شناسی اسلامی روابط بین‌الملل است. ماهیت و هدف علم و نظریه، ملاک صدق و کذب آن، منابع و متعلق شناخت و چگونگی راستی آزمایی و اعتبار یابی نظریه اسلامی روابط بین‌الملل توضیح داده می‌شود. اصول و مفروضه‌های معرفت‌شناختی نظریه اسلامی روابط بین‌الملل در چهارچوب واقع‌گرایی، تکثرگرایی، مبنا گرایی، تعامل‌گرایی ارزشی، عام‌گرایی و کلان‌نگری و کل‌نگری و نظام محوری تلخیص و توضیح داده می‌شود.

ششمین فصل به بحث و بررسی روش‌شناسی و روش‌های شناخت و مطالعه روابط بین‌الملل می‌پردازد. ادعا و استدلال آن است که روش‌شناسی فرانظریه اسلامی روابط بین‌الملل تکثرگرایی تشکیکی است که متضمن تعامل‌گرایی روش‌شناختی، کثرت‌گرایی روشی و تلفیق‌گرایی روش‌شناختی و روشی است.

به‌منظور تنویر افکار خوانندگان ارجمند و تبیین مطلب ذکر چند نکته لازم و ضروری است. نخست اینکه، اگرچه ارتباط تنگاتنگی بین فلسفه علوم اجتماعی و فرانظریه وجود دارد، ولی این دو مترادف و یکسان نیستند. فرانظریه اخص از فلسفه علوم اجتماعی بوده و بخشی از آن به شمار می‌رود؛ زیرا علم اعم از نظریه است که در کانون آن قرار دارد. در چهارچوب فلسفه علوم مختلف اجتماعی می‌توان فرانظریه‌های مختلفی را تدوین و استخراج کرد که چگونگی نظریه‌پردازی در آن علم را تبیین می‌کنند. فلسفه علم به این پرسش پاسخ می‌دهد که علم چگونه تکوین می‌یابد؛ فرانظریه به پاسخگویی این سؤال می‌پردازد که نظریه چگونه بر ساخته می‌شود. باین‌وجود، تدوین فرانظریه بدون تبیین فلسفه

علمی که بر آن استوار است امکان‌پذیر نیست. از این رو، در این کتاب نیز به منظور تدوین و تبیین فرانظریه اسلامی روابط بین الملل مباحث مربوط به فلسفه علوم اجتماعی به طور عام و فلسفه علوم اجتماعی اسلامی به طور خاص در حد ضرورت طرح و تبیین شده است.

دوم: منظور از قید و صفت «اسلامی» برای فرانظریه روابط بین الملل، در اینجا، اسلام شیعی یا خوانش شیعی از اسلام است. همچنین این قرائت شیعی از اسلام نیز مبتنی بر فلسفه اسلامی و به ویژه حکمت متعالیه صدرایی و نو صدرایی است؛ از این رو، نباید انتظار داشت که این فرانظریه مورد اجماع و اتفاق نظر همه فرق و مذاهب اسلامی و قرائت آن‌ها از اسلام و روابط بین الملل باشد. همچنان که ممکن است رهیافت‌های نظری در دیگر شاخه‌های علوم و معارف شیعی، مانند رویکرد فقهی و نقلی نیز تعریف و تلقی متفاوتی از فرانظریه اسلامی روابط بین الملل داشته باشند.

بالاین حال، این اختلاف نظرها هیچ منافاتی با پردازش یک فرانظریه اسلامی روابط بین الملل از منظر یکی از مذاهب اسلامی یا معارف شیعی، در اینجا حکمت متعالیه، ندارد. البته تردیدی نیست که ارائه یک فرانظریه یا نظریه اجتماعی، در صورت امکان، ارزش معرفتی افزون‌تری دارد. این وضعیت نظری در رشته روابط بین الملل نیز امری متداول و متعارف است. برای نمونه، نظریه‌های مختلف لیبرال وجود دارند که همه لیبرال‌ها یا شاخه‌های لیبرالیسم نه تنها در مورد آن‌ها اتفاق نظر ندارند بلکه حتی ممکن است اساساً آن را یک نظریه لیبرال ندانند؛ اما این امر باعث نشده است که هیچ‌گونه‌ای از نظریه لیبرال روابط بین الملل ارائه نشود.

بنابراین، امکان تدوین فرانظریه‌های اسلامی متعدد و متکثری بر اساس منابع و معارف اسلامی وجود دارد؛ از این رو، ادعا این نیست که فرانظریه‌ای که در اینجا ساخته و پرداخته شده است تنها نوع ممکن و موجه است. لذا، امکان دارد فرانظریه‌های اسلامی روابط بین الملل دیگری ارائه شود که از اتقان و اعتبار

معرفتی بیشتری برخوردار باشند.

سوم: فرانظریه اسلامی روابط بین‌الملل که در این کتاب ارائه شده است، اگرچه از شاخه‌های مختلف علوم و معارف اسلامی بهره گرفته است، اما بیشتر مبتنی بر حکمت متعالیه صدرایی و نو صدرایی است. از این رو، امکان تدوین فرانظریه‌های دیگر بر پایه سایر علوم اسلامی به‌ویژه فقه سیاسی وجود دارد. بی‌گمان، نظریه‌های روابط بین‌المللی که بر مبنای فرانظریه فلسفی و فقهی پرداخته می‌شوند لزوماً تعارض و تنافی نخواهند داشت؛ زیرا همه آن‌ها در چهارچوب جهان‌بینی اسلامی قرار می‌گیرند.

چهارم: مبانی فرانظری اسلامی که در این کتاب در قالب هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی تبیین و فرانظریه اسلامی روابط بین‌الملل بر پایه آن صورت‌بندی شده است، عمومیت دارد. به‌گونه‌ای که این مبانی سه‌گانه تنها به روابط بین‌الملل محدود و منحصر نشده و امکان کاربری آن‌ها در دیگر شاخه‌های علوم اجتماعی نیز وجود دارد؛ اما وجه تمایز این کتاب که آن را ماهیت و هویت روابط بین‌المللی می‌بخشد، کاربری این مبانی در حوزه روابط بین‌الملل است. به‌طوری‌که دلالت‌ها و الزامات این مبانی فرانظری برای نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل تدوین و تبیین می‌شود. فرانظریه‌های دیگری که نظریه‌های متعارف روابط بین‌الملل بر آن‌ها مبتنی یافته‌اند نیز این گونه‌اند. برای نمونه، واقع‌گرایی علمی-انتقادی در همه شاخه‌های علوم اجتماعی کاربرد داشته و نظریه‌های مختلفی در این علوم نیز بر پایه آن ساخته و پرداخته شده‌اند؛ یکی از این حوزه‌های کاربردی نیز روابط بین‌الملل است.

پنجم: همان‌گونه که پیش‌تر آمد، در اینجا، فرانظریه اسلامی روابط بین‌الملل ارائه شده است؛ لذا، نباید انتظار داشت که در این کتاب جزئیات و واقعیات جاری روابط بین‌الملل، ماهیت و ساختار نظام بین‌الملل معاصر، رفتار و کنش کنشگران بین‌المللی، قدرت‌های بزرگ، کشورها، جنگ و این‌دست موضوعات توضیح داده شده باشد. به سخن دیگر، بنا به اقتضای ماهیت فرانظری مباحث،

گزاره‌های جزئی در مورد روابط بین‌الملل و نظام بین‌الملل تدوین و تبیین نمی‌شود؛ لذا، نباید آن را نشانه نقص و نمونه نقض این فرانظریه تلقی کرد. البته پردازش فرانظریه اسلامی روابط بین‌الملل می‌تواند به ارائه یک نظریه جوهری و محتوایی روابط بین‌الملل که تبیین‌کننده این جزئیات و واقعیات باشد کمک کند. ششم: کاربرد مفهوم «جامعه انسانی» و «نظام اجتماعی» در این کتاب اطلاق و شمولیت داشته و در برگیرنده دو نوع داخلی و جهانی آن می‌شود. به‌طوری‌که از یک‌سو، نظام‌های اجتماعی درجه اول ناشی از عضویت بی‌واسطه افراد انسانی را در برمی‌گیرد. از سوی دیگر، نظام‌های اجتماعی درجه دوم متشکل از جمع‌های انسانی ناشی از عضویت باواسطه افراد انسانی مانند نظام بین‌الملل را نیز شامل می‌شود. از این‌رو، آنچه مسئله تفکیک «داخل» و «خارج» در نظریه روابط بین‌الملل نامیده می‌شود، در اینجا موضوعیت ندارد. بر همین اساس، منظور از کارگزاران اجتماعی نیز افراد و جمع‌های انسانی تشکیل‌دهنده نظام‌های اجتماعی درجه اول و دوم است.

هفتم: ایده اولیه فرانظریه اسلامی روابط بین‌الملل را مؤلف برای نخستین بار با عنوان «اسلام و نظریه‌های روابط بین‌الملل: رویکردی فرانظری» در قالب فصل اول کتاب «اسلام و روابط بین‌الملل» چاپ دانشگاه امام صادق (ع)، طرح کرد؛ سپس نسخه تکامل و توسعه‌یافته بخش فرانظری آن در قالب مقاله «مبانی فرانظری نظریه اسلامی روابط بین‌الملل» در شماره ۶ فصلنامه روابط خارجی در تابستان ۱۳۸۹ منتشر شد. مقاله‌ای که خوشبختانه با استقبال جامعه علمی کشور مواجه شد و آغازگر مباحث نوینی در این زمینه گشت. همچنین پیش‌کرسی این بحث نیز از سوی کرسی نظریه‌پردازی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۰ در حاشیه نمایشگاه کتاب تهران برگزار شد. در این نشست همکاران فرهیخته سرکار خانم دکتر حمیرا مشیرزاده و آقایان دکتر حسین سلیمی، دکتر ابراهیم متقی، دکتر منوچهر محمدی و دکتر حسین پوراحمدی به نقد و بررسی موضوع پرداختند.

هشتم: بر اثر نقد و بررسی‌های صورت گرفته در مورد مباحث مطروحه، ممکن است بعضی از مفاهیم، مقولات و مطالب اولیه مورد بازنگری و بازتعریف قرار گرفته باشد. این بازنگری‌های احتمالی نتیجه تأمل و تعمق بیشتر ناشی از خود انتقادی در طول چند سال گذشته و نقدها و ارزیابی‌های صورت گرفته حول موضوع در محافل علمی و دانشگاهی است. از این رو، در صورت وجود بعضی از تفاوت‌ها در مورد بعضی از مطالب، اصالت با این کتاب است. همان‌گونه که ماهیت پیش رونده علم ایجاب می‌کند، چه‌بسا، در اثر یافته‌های جدید در آینده، مطالب این کتاب نیز بازنگری شود.

نهم: آثار و ادبیات عام‌چندی در مورد اسلام و روابط بین‌الملل وجود دارد که ممکن است مستقیم و غیرمستقیم به مباحث هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی اسلامی نیز پرداخته باشند؛ اما هیچ‌یک از این آثار در صدد تدوین و صورت‌بندی فرانظریه اسلامی روابط بین‌الملل برنیامده است. از این رو، اثر پیش رو نخستین گام در این راه پربیچ و خیم به شمار می‌رود؛ بدیهی و طبیعی است که این گام نو شاید کاستی‌ها و کژی‌هایی نیز داشته باشد؛ از استادان و پژوهشگران و فرهیختگان این حوزه مطالعاتی انتظار و امید می‌رود، با نقد و بررسی بیشتر این اثر، به رفع نواقص و نارسایی‌های احتمالی و تکامل آن کمک کنند.

دهم: با توجه به ماهیت بین‌رشته‌ای مطالب، از یک سو و نبود منابع و متون مدوّن در حوزه فرانظریه اسلامی روابط بین‌الملل، از سوی دیگر، برای تدوین کتاب از آثار و ادبیات فرانظری در سایر علوم الهام گرفته و استفاده شده است؛ زیرا این منابع و مطالب در مورد روابط بین‌الملل نبوده است، اما مؤلف از آن‌ها الهام گرفته است؛ برای حفظ امانت و رعایت حقوق معنوی نویسندگان برای ارجاع به آن‌ها از عبارت «ملهم از» استفاده شده است.

یازدهم: از آنجاکه علم ماهیت و هویت همگانی دارد بی‌گمان ارجاع به آثار و ادبیات موجود برای اتقان و اعتبار دعاوی معرفتی لازم و ضروری است؛ اما از سوی دیگر، نوآوری و خلاقیت نیز لازمه یک اثر علمی است؛ از این رو، ماهیت

تصنيفى كتاب اقتضاء و ايجاب مى‌کرد كه نگارنده بيشتر از آموخته‌ها، دانسته‌ها و داشته‌هاي خود كه در طول بيش از ۲۰ سال تحقيق، تدريس و تجربه آكادميك در حوزه نظرية روابط بين الملل و معارف اسلامى اندوخته استفاده كند. اين امر باعث شده است كه بسيارى از مطالب كتاب كه حاصل استنباط و اجتهاد علمى شخص مصنف است بدون ارجاعات متداول و متعارف باشد. با اين وجود، به فراخور موضوع و برحسب نياز از حجم وسيعى از منابع و مآخذ استفاده شده است و كتابنامه حجيم و گسترده كتاب شاهدهى گويا بر صدق اين ادعاست.

سرانجام، دراثناى نگارش و تصنيف اين كتاب، از اندیشه‌ها، آثار و دیدگاه‌های اندیشه‌ورزان، اندیشمندان، نویسندگان و همکاران بسيارى بهره برده و بهره‌مند شده‌ام كه از همگى آنان تقدير و تشكر مى‌شود. به‌ويژه از همكار ارجمند سركار خانم دكتر حميرا مشير زاده كه افزون بر نقادى عالمانه، زمينه بحث و بررسى مباحث مطروحه در آن را، در دوره دكتورى روابط بين الملل در دانشگاه تهران، فراهم آوردند، بسيار سپاسگزارم. استادان فرهيخته آقاى دكتر حسين سليمى و دكتر على اكبر عليخانى با مطالعه متن اوليه كتاب نكات ارزنده‌اى را ارزانى داشتند كه شايسته قدردانى است. از ناقدان و داوران حاضر در پيش‌كرسى نظريه‌پردازى كه با نقدهاى سازنده خود به گونه‌اى پر غناى مطالب افزودند نيز تقدير و تشكر مى‌كنم. از استادان فلسفه اسلامى آقاى دكتر حميدرضا آيت‌اللهى، دكتر رضا محمدزاده و دكتر سيد يونس ادباني كه هر يك با ارائه نظرات خود به رفع برخى ابهامات كمك كردند قدردانى مى‌كنم. دانشجويان دوره دكتورى در درس «نقد و ارزيابى تئورى‌هاى روابط بين الملل» در دانشگاه‌هاى علامه طباطبايى، تهران و علوم و تحقيقات واحد تهران نقش بسزايى در تكامل و تعالى اين اثر داشته‌اند؛ زيرا با طرح پرسش‌هاى اندیشه‌ساز و تأمل برانگيز به رفع برخى از ابهامات و احساس نياز به ضرورت افزودن بعضى توضيحات كمك مفيد و شايسته‌اى کرده‌اند.

به رسم قدرشناسى و قدردانى از صبر و حوصله و حمايت‌هاى بي‌دريغ همسر

و پسر من که نجیبانه وقت و حق خود را ارزانی داشتند تا این اندیشه بارور شود بی‌نهایت سپاسگزارم؛ اگر نجابت، حمایت و از خودگذشتگی ایشان نبود، اکنون این درخت به بار ننشسته بود. از این رو، از صمیم قلب این اثر ناچیز را به آنان که همه چیز هستند پیشکش می‌کنم. امیدوارم که حقی که در مدت زمان نگارش این کتاب از آنان تزیین شد را با بزرگواری بر من ببخشایند.

همچنین، از معاون محترم پژوهشی دانشگاه علامه طباطبائی جناب آقای دکتر شجاع احمدوند، دکتر سعید غیاثی رئیس انتشارات این دانشگاه و همه کسانی که به گونه‌ای در انتشار این اثر سهیم بوده‌اند، تقدیر و تشکر می‌کنم. در این میان دوست و همکار فاضل جناب آقای دکتر رضا نجف زاده، آقای سید روح‌الله زرگرباشی و ویراستار محترم تلاش سخاوتمندانه‌ای داشتند تا این نوشته به شیوه بایسته و شایسته‌ای منتشر شود.

سید جلال دهمقانی فیروزآبادی

استاد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی

جمعه نهم اسفندماه یک هزار و سیصد و نود و دو شمسی